



آموزش احکام

۱۰ - ایجاد انگیزه

هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این‌جاست ...

● مهدی فاطمی

کسل‌آور به خود گرفته است. به طوری که آنان برای فراگیری احکام و مسائل شرعی، علاقه‌ی چندانی از خود نشان نمی‌دهند. می‌خواستم از شما حوزویان بپرسم که چه راه‌هایی برای ایجاد علاقه و انگیزه در دانش آموزان و ایجاد جاذبه در فراگیری درس احکام وجود دارد؟»

در پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها که گاه برای حوزویان مدرّس احکام نیز پیش می‌آید، باید گفت: در آموزش احکام لازم است به امور ذیل توجه بیشتری کنیم:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر که طرفِ کُله کج نهاد و تُند نشست
کلاه داری و آیین سروروی داند
هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این‌جاست
نه هر که سر بتراشد قلندری داند^۱

* * *

چندی پیش یکی از معلمان دینی با نگارنده‌ی این سطور تماس گرفت و گفت: «تدریس و آموزش احکام برای دانش آموزان حالتی خشک و خسته کننده و

۱- مواد آموزشی.

۲- ابزارها و امکانات آموزش.

۳- اصول آموزش (شامل ۳۰ اصل آموزشی).

۴- روش‌های آموزش (شامل ۹ روش

آموزشی).

۵- قالب‌های آموزش (شامل ۸ قالب

آموزشی).

ما - مدرّسان احکام - گاه در سه مورد

آخرین، کم توجهی فراوانی می‌کنیم و دقت

چندانی در آن‌ها به کار نمی‌بریم، در حالی که:

«دنیای امروز آموزش، دنیای اصول،

روش‌ها و قالب‌های آموزشی است.»

یکی از علّت‌های پیشرفت و جذابیت

آموزش‌های غیرمسلمانان این است که آنان

در این سه میدان، گوی سبقت را متأسفانه از

ما ربوده‌اند و سرمایه‌گذاری‌های کلان برای

آن می‌کنند.

از این رو، برای بالا بردن رشد کیفی و کمی

آموزش احکام و موفقیت بیشتر در آن، به

بیان «اصول آموزش احکام»

می‌پردازیم. موارد دیگر را به فرصتی دیگر

می‌سپاریم.

اصل اول: ایجاد انگیزه

یکی از اصول مهم آموزش و تدریس

احکام عبارت است از: ایجاد انگیزه و علاقه

در مخاطب.

ممکن است برخی از کسانی که در

جلسات احکام شرکت می‌کنند، دارای

انگیزه‌ای ضعیف و یا حتی بی‌انگیزه برای

فراگیری احکام باشند. در این صورت،

آموزش دهنده‌ی احکام باید در همان

جلسات نخستین به ویژه جلسه‌ی اول،

انگیزد و علاقه برای یادگیری احکام را در

شنوندگان خود به وجود آورد و یا تقویت

کند. به گونه‌ای که نسبت به آن «تشنه» شوند.

به قول «مولوی»:

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

تا سقاّم رُبهم آید خطاب

تشنه باش الله أعلم بالصواب

آنچه در این مقال مهمّ می‌نماید تبیین

راه‌های ایجاد انگیزه است که به یاری

خداوند آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

راه‌های ایجاد انگیزه

الف: بیان نکته‌هایی که شنوندگان

نمی‌دانند ولی مدّعی دانستن آن

هستند:

یکی از راه‌های مهمّ ایجاد یا تقویت انگیزه

و علاقه، بیان «نکته‌ها»یی است که در احکام

اسلامی وجود دارد و بسیاری از شنوندگان،

آن‌ها را نمی‌دانند و ادعا می‌کنند که می‌دانند.

باید گفت: «هزار نکته‌ی باریک‌تر زمو

این جاست...»

امید است یاد کرد این نمونه‌ها مقبول



افتد و در نظر آید!

مشارکت او عمل شستن یا مسح را برای وضو

صالح و طالح متاع خویش نمودند

تا که قبول افتد و که در نظر آید^۲

● آموزش دهنده‌ی احکام باید

در همان جلسات

نخستین به ویژه جلسه‌ی اول،

انگیزه و علاقه برای

یادگیری احکام را در شنوندگان

خود به وجود آورد و یا

تقویت کند. به گونه‌ای که نسبت

به آن «تشنه» شوند

گیرنده انجام دهد، و در حقیقت در رساندن آب به صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها به وی کمک کند، در این حالت است که وضو باطل می‌شود.^۴

نکته‌ی دوم

گاهی گفته می‌شود: چنانچه خانم‌ها در برابر نامحرم و در مکان‌هایی مانند ایستگاه‌های قطار و یا بین راه وضو بگیرند، وضوی آنان باطل می‌شود! و حال آن‌که

نکته‌ی اول

یکی از شرایط صحت وضو را در رساله‌های توضیح المسائل بدین مضمون می‌خوانیم:

«در وضو باید شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد و اگر

شخص دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها به

وی کمک کند، وضویش باطل است.»^۳

برخی با خواندن این مسأله گمان کرده‌اند که اگر در حال اختیار شخصی با ظرفی داخل

مُشت وضوگیرنده آب بریزد، وضوی او باطل می‌شود. در صورتی که طبق نظر غالب

مراجع چنین کمک‌هایی وضو را باطل نمی‌کند، بلکه این کار فقط برای وضوگیرنده

مکروه است زیرا خود عمل شستن یا مسح را وضوگیرنده انجام می‌دهد، نه آن شخص.

البته اگر آن شخص کمک کننده به تنهایی و در حال غیراضطرار و مثلاً با

دست‌های خودش عمل شستن یا مسح را برای وضوگیرنده انجام و در حقیقت او را

وضو دهد، و یا مثلاً، دست وضوگیرنده را در دست خودش بگیرد و با همکاری و



طبق فتوای غالب مراجع تقلید در چنین مواردی وضوی بانوان باطل نیست و صحیح است. اگر بانوان در برابر مردان نامحرم به طوری وضو بگیرند که حجاب شرعی خود را رعایت نکنند؛ مثلاً، قسمت‌های مچ دست به بالا یا موها و یا روی پای آنان هنگام شستن و مسح کردن در برابر دید نامحرم باشند، در این صورت فقط به جهت رعایت نکردن حجاب شرعی مرتکب کار حرامی شده‌اند، ولی وضویشان صحیح است.^۵

نکته‌ی سوم

بعضی از مراجع بزرگوار تقلید مانند حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه چگونگی مسح سر را، حتی در حال اختیار و نه اضطرار، به ده صورت جایز می‌دانند.

۱- با دست راست.

۲- با دست چپ.

۳- از بالا به پایین.

۴- از پایین به بالا.

۵- با داخل و کف دست.

۶- با بیرون و پشت دست.

۷- با ساعد و فاصله‌ی میان مچ دست تا آرنج.

۸- به صورت طولی و عمودی.

۹- به صورت عرضی و افقی.

۱۰- به صورت زیگزاگ.^۶

نکته‌ی چهارم

برخی گمان کرده‌اند اگر هنگام مسح سر،

دست وضوگیرنده با رطوبت و تری پیشانی او تماس پیدا کند و مخلوط شود، وضوی وی باطل می‌شود.

حال آن که طبق نظر اکثر مراجع معظم این مسأله دو صورت دارد:

۱- اگر مسح پا با همان قسمت از دست که با آب پیشانی تماس پیدا کرده و مخلوط شده است انجام شود، در این صورت وضو باطل می‌گردد.

۲- چنانچه مسح پا با قسمت دیگری از دست که با آب پیشانی تماس پیدا نکرده و مخلوط نشده است، انجام شود، وضو صحیح است. مثلاً، انگشتان دست هنگام مسح سر، با رطوبت پیشانی مخلوط نشده باشد و مسح پا نیز با رطوبت باقیمانده در انگشتان دست و نه کف دست انجام گیرد.^۷

نکته‌ی پنجم

بسیاری از مراجع معظم تقلید مانند حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه خواندن دعا به زبان غیر عربی مانند فارسی، ترکی و انگلیسی و خواندن اشعاری را که دارای مضمون دعا و مناجات خداست، در نماز جایز می‌دانند. بنابراین هر نمازگزاری طبق فتوا و نظر بعضی مراجع و نه همه‌ی آنان، می‌تواند مثلاً در قنوت نماز چنین دعاهایی را بخواند:^۸

إلهی عَبْدُكَ الْعَاصِیُ أَتَاكَ

مُقَرَّباً بِالذُّنُوبِ وَ قَدْ دَعَاكَ^۹





نکته‌ی ششم

می‌دانیم که اگر بخواهیم به ثواب کامل

الهی سینه‌ای ده آتش افروز

در آن سینه دلی وان دل همه سوز

کارهای مستحب دست یابیم، باید آن‌ها

را به همان گوندای که شارع مقدس و از

طریق مرجع تقلیدمان دستور داده است،

انجام دهیم. یکی از این کارهای مستحب

بالا بردن دست‌ها هنگام گفتن تکبیره

الاحرام و تکبیرهای بین نماز است.

برخی از مراجع بزرگوار تقلید مانند

حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «برای

نمازگزار مستحب است هنگام گفتن تکبیره

الاحرام دست‌های خویش را تا مقابل

صورت و یا تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد به

طوری که با آغاز بالا بردن دست‌ها، گفتن

اللَّهُ أَكْبَرُ را نیز آغاز کند و با پایان بالا بردن

دست‌ها، که دست‌های مقابل صورت یا

گوش‌ها می‌رسد، گفتن اللَّهُ أَكْبَرُ را نیز به

پایان رساند.^{۱۰}

بهتر است که دست‌ها از برابر گوش‌ها

عقبتر نرود و انگشتان دست‌ها به هم

چسبیده و کف دست‌ها رو به قبله باشد.^{۱۱}

نکته‌ی هفتم

مسئله‌ای را در رساله‌های توضیح

المسائل بدین مضمون می‌خوانیم:

«نمازگزار در سجده باید سر دو انگشت بزرگ

پاهایش را بد زمین بگذارد، و اگر

انگشت‌های دیگر پاهایش را بد زمین

بگذارد، نمازش باطل است.»^{۱۲}

برخی با خواندن این مسأله گمان کرده‌اند

که اگر نمازگزار به همراه سر دو انگشت بزرگ

پاهایش، انگشت‌های دیگر پاهایش را نیز بد

زمین بگذارد، نمازش باطل است و حال

آنکه منظور از این مسأله آن است که

چنانچه نمازگزار در سجده، سر دو انگشت

بزرگ پاهایش را اصلاً به زمین نگذارد و به

جای آن‌ها انگشت‌های دیگر پاهایش را

بگذارد، در این صورت است که نمازش باطل

می‌شود، و روشن است که معمولاً چنین

حالتی برای نمازگزاران کمتر پیش

می‌آید.^{۱۳}

نکته‌ی هشتم

بعضی از نمازگزاران و به ویژه بانوان برای

بهرده‌مندی از ثواب بیشتر و پس از پایان

قنوت نماز، دست‌های خود را بد سر و

صورت و سینه می‌کشند.

برخی از مراجع معظم تقلید این کار را در

همدی نمازها، چه واجب و چه مستحب، و

برخی دیگر فقط در نمازهای واجب، نه تنها

مستحب نمی‌دانند، بلکه مکروه و ترک آن را

دارای ثواب و پاداش می‌دانند.^{۱۴}

نکته‌ی نهم

بعضی از مراجع معظم تقلید می‌فرمایند:

«بدن نمازگزار حتی هنگام گفتن ذکرهای مستحب نماز، غیر از بَحْوَلِ اللَّهِ...، باید آرام و بی حرکت باشد، به گونه‌ای که اگر نمازگزار در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً هنگام رفتن به رکوع یا سجده، تکبیرهای مستحب را به قصد ذکر مخصوصی که در نماز وارد شده است و دستور آن را داده‌اند بگوید، باید نماز را دوباره بخواند. اما چنانچه به این قصد که ذکر و یاد خدا در هر جای نماز خوب و پسندیده است، بخواهد ذکر مستحب مانند تکبیر را بگوید، نمازش صحیح است، هر چند بدنش در حال حرکت باشد»^{۱۵}

نکته‌ی دهم

هنگامی که از مردم پرسیده می‌شود: اگر بچهدای مَهر نماز را از جلوی نمازگزار بردارد و برود، و یا کسی مَهر نماز را با پایش از جلوی نمازگزار به فاصله‌ی دوری پرت کند، وظیفه‌ی نمازگزار چیست؟ گاه پاسخ می‌دهند: باید بر پشت دست یا ناخن‌هایش و به ویژه ناخن شست سجده کند و نماز بخواند. و حال آن که بسیاری از مراجع بزرگوار تقلید مانند حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرمایند که نمازگزار باید به ترتیب ذیل عمل کند:

اول - اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است داشته باشد، مثلاً تکه‌ی کاغذی در جیب خود دارد، باید بر آن سجده کند.

دوم - چنانچه چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد و وقت نماز نیز تنگ نباشد، باید نماز را بشکند و آن چیز را فراهم کند و دوباره نماز خود را بخواند.

سوم - اگر وقت نماز تنگ است به طوری که فراهم کردن آن چیز موجب قضای نمازش می‌شود، باید نمازگزار بر لباسش چنانچه از «پنبه» یا «کتان» است سجده کند. چهارم - اگر لباسش از جنس دیگری غیر از پنبه و کتان است، باید بر همان چیز سجده کند.

پنجم - چنانچه آن هم ممکن نباشد، باید بر پشت دستش سجده کند.

ششم - اگر آن هم امکان ندارد، باید بر چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده کند. قابل توجه است در صورتی که وقت نماز وسعت دارد و نمازگزار چیزی را که سجده بر آن صحیح است ندارد، ولی مَهر نماز در فاصله‌ی نزدیکی؛ مثلاً، حدود یک یا دو قدمی نمازگزار وجود داشته یا پرت شده باشد، باید با رعایت جهت قبله - در صورتی که امکان دارد - و نگفتن ذکرهای نماز، به طرف مَهر نماز حرکت کند و سپس به نزدیک آن که رسید، ادامه‌ی نمازش را شروع کند و هنگام سجده‌ی بر آن سجده کند.^{۱۶}

در فرجام این نوشتار لازم است این نکته‌ی مهم به خاطر سپرده شود که در





مسائل شرعی و نکته‌هایی که بیان شد، هر مقلدی باید پس از آگاهی یافتن از فتوا و نظر مرجع تقلید خویش و مطابق بودن آن با نکته‌های یاد شده به آن‌ها عمل کند، مگر در مواردی که این نکات مورد اتفاق نظر همه‌ی مراجع تقلید بوده است. شایان ذکر است در صورتی که این نکته‌ها را می‌خواهیم برای دیگران بازگو کنیم، مأخذ و نشانی آن‌ها را در نظر داشته باشیم تا پذیرش این گونه مسائل برایشان بعید و دور از حقیقت ننماید.

امیدواریم با «عنایات خدا» بتوانیم مسائل و نکته‌های دیگری در زمینه‌ی احکام فقهی را به رشته‌ی تحریر در آوریم، و «مولوی» چه خوش گفته است:

این همه گفتیم لیک اندر بسیج

بی عنایات خدا هیچیم هیچ

بی عنایات حق و خاصان حق

گر ملک باشد سیا هسنتش ورق

ای خدا ای فضل تو حاجت روا

با تو یاد هیچ کس نَبُود روا

* * *

قطره‌ی دانش که بخشیدی زپیش

متصل گردان به دریا‌های خویش

قطره‌ی علم است اندر جان من

وارهانتش از هوا و ز خاک تن

دیگر راه‌های ایجاد انگیزه را در قسمت

دوم از این نوشتار توضیح خواهیم داد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- حافظ.

۲- حافظ.

۳- توضیح المسائل مراجع. گردآوری سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۷، شرط بازدهم.

۴- با اقتباس از: العروة الوثقی، آیت الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تصحیح سید هدایت الله مسترحمی، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۹۹ ق / ۱۳۵۸ ش (تاریخ مقدمه‌ی مصحح)، ج ۱، ص ۲۳۴، التاسع.

۵- همان، ص ۲۴۱، مسأله‌ی ۳۰.

۶- همان، ص ۲۰۹، مسأله‌ی ۲۴ و پیش از آن.

۷- دفتر امام خمینی رحمته‌الله، بخش استفتا.

۸- با اقتباس از: العروة الوثقی، همو، ج ۱، ص ۶۹۹، مسأله‌ی ۲ و ۳.

۹- خدای من! بنده‌ی نافرمان تو به سویت آمده است، در حالی که به گناهان خویش اقرار می‌کند و تو را می‌خواند.

۱۰- برخی از مراجع بزرگوار تقلید عکس این کیفیت را جایز نیز نمی‌دانند. (توضیح المسائل مراجع، همو، ج ۱، ص ۵۰۶، مسأله‌ی ۹۵۵)

۱۱- تحریر الوسیلة، آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی، ۲ جلد، چاپ دوم، قم، مؤسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان (چاپ افسر از روی مطبوعه الآداب نجف اشرف، ۱۳۹۰ ق)، ج ۱، ص ۱۶۲، مسأله‌ی ۴.

۱۲- توضیح المسائل مراجع، همو، ج ۱، ص ۵۴۳، مسأله‌ی ۱۰۶۲.

۱۳- همان.

۱۴- العروة الوثقی، همو، ج ۱، ص ۷۰۱، مسأله‌ی ۱۱.

۱۵- توضیح المسائل مراجع، همو، ج ۱، ص ۵۰۹، مسأله‌ی ۹۶۵ و ۹۶۶.

۱۶- همان، ص ۵۵۴، مسأله‌ی ۱۰۸۷ و ۵۰۹، مسأله‌ی ۹۶۵؛ العروة الوثقی، همو، ج ۱، ص ۷۲۳.